

UNIVERSAL  
LIBRARY

**OU\_228578**

UNIVERSAL  
LIBRARY







ترجمہ فارسي



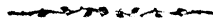
کتاب الحقوق

Checked 1969.

ملقطا من احياء العلوم

للامام حجة الاسلام ابو حامد محمد الغزالي

رحمة الله عليه



مطبعة انستيتوت پريس عايگده

سنة ١٩٠٨ ع



# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بعد حمد و ثناء خدائمه تعالی و درود سلام بر نبی مجتبی مصدق  
مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم •

## کتاب الحقوق

بدان که انسان با آنها بسر خواهد بود - یا با دیگر کسی - و چون زندگی انسان بهر اینکه با افعال جنس خویش معاشرت دارن متعذر است ضرورت آنکه آداب و آئین معاشرت را بیاموزد - هر آنکه با او صحبت داشته آید صحبت او را ادب است - و این ادب با اندازه حق است و حق او بقدر آن تعلق است که این معاشرت و صحبت را سبب گشته - و رابطه یا طبیعی خواهد بود چنانکه قرابت است و این خاص ترین رابطه ها است - و چنانکه برادری اسلام است و این از آنها عام تر است - و اگر طبیعی نیست پس یا همسایگی خواهد بود - یا صحبت و ملاقات - چنانکه در سفر و مکتب - و درس اتفاق افتد - یا دوستی خواهد بود و این تا مرتبه برادری ترقی میدهد - و هر یک از این رابطه ها را درجه استعداد - که می تواند دانست آنرا انسان - اگر در خویش و دران - رابطه ها غور کند که معاشرت و صحبت را باعث گشته اند •

## حقوق المسلم

از جمله حقوق مسلم آنست که دوست داری برای مسلمانان آنچه برای خویش دوست داری و نه پسندی برای ایشان آنچه برای خویش نه پسندی - نعمان بن بشیر گفته که من از رسول خدا صلی الله علیه و سلم شنیدم - فرمود که مثال مومنان در صحبت داشتن باهم - در رحم کردن یکی بر دیگری - مثال بدن است که چون عصبه از او آزار یابد درد دیگر تمام اعضا حرارت و بیحرابی پدید آرد - و ابو موسی از آن جناب صلی الله

عالمه و سلام روایت کرده که فرمود مومن بوائے مومن چون غمناک است که حصه از حصه دیگر را استواری می بخشد •

و از جمله حقوق آن است که کسی را از مسلمانان بگفتار یا بکردار آزار ندهد - مردی گفت ای رسول خدا اسلام چیست - فرمود اینکه دل تو نیاز دارد بخدا - و مسلمانان از زبان و دست تو آئین باشند - و از جمله حقوق آنست که پهنش هر مسلمان فروتنی کند و پرو برتویی نکورد زیرا که خدا بنار خرامنده و فخر کننده را دوست ندارد - فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم - خدا بمن وحی فرستاده است که شما فروتنی کلهد تا آنکه کسی فخر نیارد کرد بر کسی •

و از جمله حقوق آنکه - بد گوئی یکی برد دیگری نشود - و سفینه که از یکی بشود بد دیگری نرساند فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم - غماز در جنت داخل نخواهد شد - و خلیل بن احمد گفته که هر آن کس که پهنش تو غمازی خواهد کرد از تو هم غمازی خواهد بود - و آنکه خیر دیگری پهنش تو خواهد رساند خیر تو هم پهنش دیگری خواهد بود •

و از جمله حقوق آنکه - چون هر کسی که از تو تعارف دارد بگوشم آید زیاده از سه روز جدائی نکورد - ابو ایوب انصاری گفت - فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم - حلال نیست مسلمان را که پهنش از سه روز با بواحد خویزش ( بواحدی اسلام مواد است ) ترک تعلق کرده باشد که چون هر دو وقتے بر خوردن این از رو گرداند و او ازین - و ازین هر دو آن را فقهیت است که خود آغاز بسلام آمد •

و از جمله حقوق آنکه - نهی کند باهر کسبکه تواند کرد - آن مقدار که در قدرت او باشد - فزق نمند در عزیزو بهکانه - و علی بن الحسن از پدر خود و ارباب خود رضی الله عنهم روایت کرده که فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم - سوادانش بعد از دین محبت داشتن است بامردمان - و نهی کردن است بهر نهگ و بد - ابو هریره گفته - که رسول خدا را عادت آن بود که چون کسی دست آنجناب میگرفت ( بطور ماصفحه ) تا آنکه خود آن شخص نگذارند - آنجناب دست از دست او بر نگرفته - و زانوی آنجناب زانوی آنجناب از زانوی همگوش پهنش



برآمده دیده نشده - و کسی نبود که بآن جناب سخن گفتن خواهد  
مهر آنکه آنجناب روی بار کردی - و باز از رو نکردانیدے تا آنکه او از سخن  
فارغ نشده - و از جمله حقیق آن است - که هر کسی بے اذن او داخل  
نشود بلکه باید که سه بار اجازت طالبد و اگر او اجازت نداد باز گردد \*

و از آنجمله آنکه - با هر کسی بخلق پستدیده پھش آید - و به  
روش او با او کار کند - زیرا که اگر خواست که با جاهل بطریق اهل علم  
ملاقات کند - و با ناخوانده محض بطرف فقہم - و با کردن محض بطریق  
فصاحت - او را تکلف دهد و خود هم در مشقت افتد \*

و ازان جمله آنکه - بزرگان را تعظیم کند - و با کودکان مہربانی نماید -  
چاپرگفته کہ فرمود رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم - از ما نیست آنکہ بزرگان  
را عزت نکرد - و برخورداران رحم نیارود - رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم  
چہن از سفر تشریف آوردے - کودکان بہ آنجناب می پیوستند - پس  
برایشان می ایستادے - و می فرمود پس سوار کردے می شدند پھش  
آن حضرت و در پس پشت آن حضرت و اصحاب خویش را حکم می فرمود  
کہ ازیشان بعضی را باخود سوار کنید - و کودکان بعد ازین باخود ها  
مفاخرت کردنندے - یکی ازیشان با دیگرے میگفت کہ رسول خدا صلی اللہ  
علیہ وسلم مرا در پیش خود نشانده بود و ترا بز پس پشت - و یکی از انها  
میگفت کہ اصحاب خویش امر فرمود کہ ترا باخود ها سوار کنند \*

و ازان جمله آن کہ - با جمله مردمان خوش مزاج - خلده رو -  
دوست باشد - فرمود رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم - می دانهد کہ  
دروخ بز کدام کس حرام کرده شده است - گفتند خدا و پیغمبر او دانا  
تواند - فرمود - بز نرم دل - بے تکلف سهل گذار \*

و ازان جمله این کہ - وعده نکند بامسلمانے مگر آنکہ آنرا وفا کند -  
فرمود رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم بعض وعده عطا است و بعضی وعده  
فرض است \*

و ازان جمله آنکہ - ترقو آنکس زیادہ کند کہ صورت و لباس او بز  
بلندی پایتے او شہادت دهد - و می باید کہ مردمان را بز رتبه هائے ایشان  
دارد - رواست کرده اند ازان جناب صلی اللہ علیہ وسلم - کہ در خانہ از

خانهای خود شریف ارزانی داشت - پس دوستان و یاران آن جناب در آمدند - و جریر بن عبدالله الهجلی رسد - و چون جای نهافت بر دروازه به نشست پس رسول خدا صلی الله علیه وسلم - چادر خود بپوشید و سوره او انداخت - و او را فرمود که بروی به نشهن جریر چادر را گرفت و بر چهره خود نهاد و او را بوسیدن گرفت و گریه نمود - باز به بپوشید او را - و سوره نبی صلی الله علیه وسلم بهفداخت - و عرض داشت که آن نه تم که بر جامه تو به نشهنم - خدا او را بزرگ دارد - چنانچه مرا بزرگی دادی - پس رسول خدا صلی الله علیه وسلم چپ و راست نظر کرد - و فرمود که چون نزد شما بزرگ قوهی دارید - او را اعزاز کنهه - و هم چلهن هر آن که برو کسی † را حقی است باید که او را بزرگ دارد •

و ازین جمله آن که - در همان مسلمان اصلاح و آشتی یهودا کند تا بمقدور خویش - فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم - آیا نه خبر دههه شما را به چیزه که از نماز روزه و خیرات پایه او بهش است گفتند آره - فرمود اصلاح زنجش و کدورت که ما بهن کسی باشد - و فساد مایهن - همان برباد کفده است - و فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم - بهترین صدقه ها اصلاح زنجش و کدورت است مایهن خودها - و از جمله حقوق آن که - عهه جمله مسلمانان فرو پوشد فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم - آن که بر مسلمانی یرده پوشهه - خدا برو در دنیا و آخرت یرده بیوشد - نهی صلی الله علیه وسلم با معاویه فرود که تو اگر در عهه جوئی مسلمانان خواهی آفتاد - ایشان را خراب خواهی کرد - یا فریب خواهد بود که ایشان را خراب کنی - و فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم - اے آن کسانهه بزبان خویش ایمان آورده اید و ایمان در دل شان فرو نهادهه - مردمان را عهه میکنند در جستجویه عهوب ایشان میباشد زیرا که هر آنکس که عهه بواهد مسلم خود خواهد جست - خدا در پی جستن عهه او خواهد بود و آنکه خدا جستجویه عهه او خواهد کرد - او را رسوا خواهد گردانهد - اگرچه در میان خانه خودش بوده •

• باشد

و از آنجمله آنکه - با هر مسلمان آغاز بسلام کند - پیش از گفتگو -  
 و وقت سلام با او مصافحه کند - نبی صلی الله علیه وسلم فرمود -  
 آنکه پیش از سلام بگفتگو آغاز کرد - پس جواب او ندهید - تا آنکه بسلام  
 ابتدا کند - و فرمود علیه السلام - سوار بر پیاده رونده سلام کند - و  
 رونده برنشسته - و قلیل بر کثیر - و خود بر بزرگ \*

و از آن جمله آن که آبروی برادر مسلم خوهرش نگاه دارد - و نفس و  
 مال او را از ظلم غور او حفاظت کند تا آن که بتواند - و از او باز دارد  
 و جدال کند از طرف او - و اعانت کند او را - زیرا که این همه بر او واجب  
 است از روی برادری اسلام \*

و از انس رضی الله عنه روایت است که نبی صلی الله علیه وسلم  
 فرمود که آنکه پیش از آنکه برادر مسلمانی کرده آید - و او بر اعانت او  
 قدرت داشته باشد و نکند - خدا در عوض این در دنیا و آخرت او را مواخذه  
 خواهد کرد - و از آن جمله جواب دادن است عطسه زنده را - فرمود  
 علیه السلام که عطسه زنده گریه - الحمد لله علی کل حال ( یعنی در  
 هر حال خدا را ستایش است ) و جواب دهنده گوید - یرحمکم الله - ( یعنی  
 خدا بر شما رحم کند ) باز عطسه زنده جواب دهد و گوید - بهدیکم الله  
 و یصلح بالکم ( یعنی هدایت کند خدا شما را و دل شما بمصالح آرد و از آن  
 جمله آن که - از صحبت و اختلاط داشتن با دولت‌مندان کفار و رزد -  
 و با مسکینان بپاوهزد - و با یتیمان نهی کند - نبی صلی الله علیه وسلم  
 را معمول بود که فرموده - ای خدا مرا زندگی ده در مسکینی و مرگ  
 ده در مسکینی - و در جمله مسکینان مرا محشور کن \*

و از آن جمله بقدر دادن است هر مسلمان را و کوشش کردن در خوش  
 دل گشتن او - فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم - مومن برای  
 مومنان همان چیز دوست دارد که برای نفس خویش دوست دارد -  
 و فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم از شما یک مومن نبی شود تا آن که  
 دوست ندارد برای برادر خویش آنچه پسندد برای نفس خویش \*

و از آن جمله آن که بهمار مسلمانان را عیادت کند - زیرا که شناسائی و  
 اسلام پس هستند در ثابت کردن این حق - و در یافتن فضیلت او -

و عیادت نگذرد را ادب این است که اندک به نشیمن و سوال کم کند - و اظهار غمخوارگی کند - و بسلامتی او دعا کند - و از جاهای نهانی چشم بپوشد - و ادب او در وقت اذن طلب کردن آنست که مقابل دروازه نماید و در را به آهستگی بکشد و چو پیوسته شود که کسبستی نگردد مگر بلکه نام خود بگوید و اگر ضرورت آواز دادن باشد نگردد آه غلام - البته باید که خدارا حمد و تسبیح گوید - و فرمود صلی الله علیه و سلم - عیادت مریض آنست که بر پوشانی یا دست از دست نهد و از وی پرسد که چگونه است - و کمال تحیات شما مضافه کردن است \*

و از آن جمله آن است که - همراه جنازه شان رود - فرمود صلی الله علیه و سلم - آنکه عقب جنازه نرسد و او را یک قیراط ثواب است و اگر ایستاد تا آنکه دفن کرده شد دو قیراط - و ادب همراه رفتن جنازه لازم گرفتن خشوع است و غلام نکردن - و مرگ را خیال بسن - و اندیشه کردن در مرگ و مهمل بودن بهر او \*

## حقوق الجوار

بدانکه همسایگی را حقی است علاوه آن حق که اخوت اسلام تقاضا می کند - پس مسلمان همسایه جمله آن حقوق را مستحق است که هر مسلمان مستحق اوست - و چه زود ازین زیاده را هم مستحق است - زیرا که نبی صلی الله علیه و سلم فرموده همسایگان سه نوع اند - همسایه است که او را همسایه یک حق است - و همسایه که او را دو حق است - و همسایه که او را سه حق است - مسلمان همسایه صاحب قرابت است - پس او را حق همسایگی و حق اسلام و حق قرابت است و آنکه او را دو حق است مسلمان همسایه است که او را حق همسایگی و حق اسلام است - و آنکه او را تنها یک حق است همسایه مشرک است - پس بنگر که رسول خدا صلی الله علیه و سلم مشرک را هم بسبب همسایگی حقی ثابت فرمود - و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم نیکو دار همسایگی آن را که با تو همسایه است تا مسلم باشی - و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم - چندیل همیشه در حذر هستی همایهت کردی - تا آنکه گمان کردم که همسایه را وارث

من خواهد کرد - و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم - آنچه ایمان داشته باشد به خدا و روز قیامت پس باید که همسایه خویش را بزرگ دارد و فرمود صلی الله علیه و سلم - بدنه صاحب ایمان نه می شود - تا آنچه همسایه خویش را از بلاها نگاه دارد - و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم - چون سگ همسایه را بزدی پس همسایه را بيازردی - و هشام گفت که حسن درین مضایقه نمی انگاشت که همسایه یهودی یا نصرانی را از گوشت قربانی خودش بخورانی \*

## حقوق الاقارب والرحم

فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم - الله تعالی میگوید که من رحمن هستم - و از نام خویش برای رحم نامی . پشتی کرده ام - پس آنچه باو پیوند داشت باو پیوند دارم - و آنچه او را ببرد ازو ببردیم و با رسول خدا صلی الله علیه و سلم گفته شد که کدام کس افضل تر است - فرمود - پرهیز گار ترین ایشان برای خدا - و پیوند دارنده تر برحم - و ابو ذر گفته که مرا محبوب من علیه السلام وصفت فرمود به صلته رحم اگرچه او رو گردان شده باشد و امر فرمود مرا باینکه حق گویم اگرچه تلخ باشد •  
و اسماء دختر ابو بکر رضی الله عنه گفته که مادر من یهش من آمد - پس گفتم ای رسول خدا صلی الله علیه و سلم - مادر من آمده است و او هنوز مشوک است آیا نهی کنم باو - فرمود آری - و در روایت دیگر است که آیا عطا کنم او را - فرمود آری - نهی کن با او - و فرمود علیه السلام - صدقه کردن بر مسکینان یک صدقه است و بر قرابت دار دو صدقه است •

## حقوق الوالد و الولد

فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم با پدر و مادر نهی کردن افضل تر است از نماز - و صدقه - و روزه - و حج و عمره و جهاد در راه خدا \*

و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم - آنچه صحیح کرد بحاله که پدر و مادر را خوشنود دارندند است دو دروازه جنت بر او کشاده شوند و هر آنچه

همچنین شام کرد پس همچنین وقت شام در دروازه واشوند - و اگر از والدین یک موجود باشد پس یک درواز اگرچه والدین بر او ظلم کرده باشند - اگرچه ظالم کرده باشند - اگرچه ظلم کرده باشند - و آنکه صبح کرد بکالیبه والدین را ناراض کننده است کشاده شود بر او دروازه از دوزخ - و اگر هم چنین شام کرد - پس هم چلهون بوقت شام دو دروازه از دوزخ بر او کشایند - و اگر از والدین یکی موجود باشد پس یک دروازه اگرچه والدین بر او ظالم کرده باشند - اگرچه ظالم کرده باشند اگرچه ظالم کرده باشند و فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم بر آنکه در هفتاد ماهه از مسافت پنج صد ساله راه و نگراهد دریافت بود او آنکه از والدین یا در رحم خویش قطع نعلق کرده است \*

گفته اند که چون یعقوب علیه السلام بر یوسف علیه السلام داخل شدند به تعظیم او بر نکاست پس وحی فرستاد خدا بسوی یوسف علیه السلام - آیا کسر شان می پذیری ازین که برای پدر خویش بر خهزی قسم می خورم بعزت و جلال خویش که از پشت تو هیچ نمی بر نیارم \*

و مالک ابن ربیع گفته که ما در خدمت رسول خدا حاضر بودیم که درین اتفاق مردی از قبیله بنی سلمه پیش آن حضرت رهد و عرض داشت که آیا چیزی از نمکی کردن با پدر و مادر بانی مانده است که من بعد مرگ بایشان کنم - فرمود - رحمت خواستن بر ایشان و استغفار گفتن بر او - و وفا نمودن عهد شان - و بزرگ داشتن دوستان ایشان را - و صلح رحم بآن کس که جز بایشان بصله رحم نرسد \*

و فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم - از عمده ترین نوهها کردن آنست که نمکی کند مرد با دوستان پدر خویش بعد آنکه پدر نباشد \*

و فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم - مادر را بر پسر دو تا حق است \*

و فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم - دعای مادر زود تر قبول می شود - گفتند ای رسول خدا - این را سبب چهست - فرمود - مادر تعالی رسم ذریه تر است از پدر و دعای رحم بر اثر نمود - و از آن جناب کس پرسید و گفت که ای رسول خدا - باک نمکی کند - فرمود با

والدین خویش - گفت والدین ندارم - فرمود - با پسر نیک کن که چنانکه پدر را بر تو حق است - پسر را هم حق است بر تو و فرمود رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم - از جمله حقوق پسر بر پدر آنست که تربیت او نیکو کند و نام او پسندیده نهد \*

اقرع ابن جالس دید که رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم - فرزند خویش حسن را بوسه ههه دهد پس اقرع گفت که مرا ده فرزندان هستند - هیچ یک را از ایشان بوسه نداده ام - فرمود علیہ السلام آنکه رحم نهمکنند - رحم نمے کرده شود \*

ابو سعید خدری گفت - مردے از یمن در خدمت رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم هجرت کرد و به جہاد رفتن خواست - رسول خدا علیہ السلام فرمود - آیا در یمن پدر و مادر تو هستند - گفت آری - فرمود که آیا ترا اذن داده اند - گفت نه - فرمود علیہ السلام - پس باز گرد سوه پدر و مادر خویش - و ازیشان اجازت بطلب - پس اگر اجازت دهند به جہاد رو - ورنه خدمت ایشان کن چندان که می توانی - که این کار پس از توحید بهترین عمل هاست - که باو با خدایه خویش پیونددی \*

مردے دیگر پھش آن جناب آمد که در باب جہاد بیان جناب مشورت کند - فرمود - آیا ترا مادری هست گفت آری - فرمود - پس خدمت او لازم گھر که چغف زبر قدم اوست - و مردے دیگر بخدمت آن جناب آمد و گفت - نیامدم پھش تو تا آن که بگریه آوردم پدر و مادر خود را - فرمود نماز گرد سوئے ایشان و ایشان را بخنده آور چنانکه بگریه آورده - و فرمود صلی اللہ علیہ وسلم برادر کلان را بر برادران خورد همان حق است که پدر را بر پسر خویش \*

## المعاشرة مع اصناف الخلق

درین باب ذکر میکنم از آداب معاشرت و همنشینی با مردمان هر گروه که انتخاب کرده ام از کلام بعض حکماء — اگر حسن معاشرت خواهی — پس با دوست و دشمن خنده رو باش — بغیر آنکه ایشان را تحقیر کنی یا از ایشان در دل هیبت آری — باتوقیر باش بغیر از غرور — و تواضع کن بغیر از ذلت — و در جمیع کارهای خویش میانه رو باش که هر دو طرف وسط امور مذموم است — به شانهای خود بیننده مباش — و به هر سو نکه مینداز — و بر امیوه مردمان ایستاده مشو — و اگر در آن جماعت به نشینی پس بز پایه مفشیں — باید که از انکشت ها باشم پیچیدن — و با ریش و انگشتری خود بازی کردن و دندان را خلال نمودن — و انکشت در بینی کردن و به سیارے بزاق افکندن — و آب از بینی افشاندن — و کس از روئے خود رازدن — و خمیازه کشیدن — و بفاره روئے کشادن — پوش مردمان و در نماز پرهیز کنی — و باید که مجلس تو بسکون باشد و گفتگوے تو مسلسل و پیوسته — و گوش دار بسوئ الام پسندیده که کسی با تو گوید بغیر اینکه تعجب بسوئ ظاهر کنی و باز گفتن آن سخن ازو مطالب از افسانها و اراں سخنها که خنده آید حامش باش — و از فرزند و کنیز و اشعار و تصنیف خویش و از جمله آن چیزها که بتو خاص باشند — سخن باعجاب مگوئی — و خویشان را چون زنان مهارے — و چون غلامان خوار مباش — و به سرمه کشیدن و بهشوت روغن مالیدن بسوار مثل جاش — و در طلب حاجتها التجاج مکن — و کسی را بر ظام یاورزی مکن و کسی را از زن و فرزندان خویش نا بدیکه ای چه رسد بزور مال خود مطلع مکن — که اگر اندک خواهد بود در نظر ایشان سبک خواهی شد — و اگر زیاده است هرگز با رضای ایشان نخواستی رسد — و ایشان را خوف ده بغیر اینکه قهر کنی — و با ایشان نرمی کن بغیر آنکه ضعیف باشی — و چون با کسی در بحث آئی — باوقار باش — و خود را از جهل نکاه دار — و از تعجیل به پرهیز — و در دلیل خود خوض نمائی — و از دو دست خویش بسوار اشاره مکن — و بسوار



میبوی بسوزد آنکه غضب قسمت — و بر زانو منشیون — و سخن گو چون  
 غصه تو فرو نشیند — و ازان درست که یار نعمت باشد بسهار به پرهیز —  
 که او دشمن توین دشمنان است — و مال را از آبرو عزیز تر مدار — و  
 چون در مجلس در آئی پس ادب این است که ابتدا به سلام کنی و آنکه  
 پوش نشسته است از سر او نه گذری — و هر کجا که جای یابی  
 به تواضع نزدیک تر باشد به نشینی — و آنکه نزدیک تو نشسته است  
 برو سلام گوئی — و بر راه منشیون و اگر به نشینی پس ادب او نگاه زیرین  
 کردن است — و ستم زده را بفریاد رسودن و ضعیف را یادری نمودن — و  
 گم شده را راه نمائی کردن و جواب سلام دادن و سائل را عطا نمودن — و  
 حکم کردن به نیکی — و باز داشتن از نابایست — و علاحده کردن جای  
 بزاق — و روئے قبله بزاق مهفداز — و نه از جانب راست — البته باید که  
 از جانب چپ و زیر قدم چپ مهفدازی — و با عامهان منشیون و اگر  
 نشستنی پس ادب او این است که در سخن های شان فرو نروی —  
 و به ترهات ایشان گوش نه نهی — و ازان ناملائم حرفها  
 که از ایشان سرزند تغافل کنی — و باوجود احتیاج افتادن سری ایشان  
 به ایشان کم آمیزی — و زینهار که باعالی یا بانادانی سخن بظرافت  
 گوئی — زیرا که عاقل هر تو حسد خواهد برد و نادان شرح و خوره خواهد  
 شد — چه ظرافت هویت را یاره یاره میکند و آبرو می ریزد — و حسد  
 پیدا میکند — و حلوت دوستی می برد و دانشمندی دانشمند را عیب  
 می نهد — و جاعل را جرأت می دهد — و بنظر عقلا از پایه می اندازد —  
 و ظرافت را پرهیزکاران مکره دارند — و او دل را مرده میکند و از خدا  
 تعالی دور می اندازد — و غفلت پیدا می آرد — و خوار می میشود  
 و از بر رازهاستم می رود — و دلها مرده می شوند و عهوب کثرت می یابند  
 و گناهها عیان میگردند — و گفته اند که مزاج نمی آید مگر از سبکی عقل  
 یا به بیهودگی — و آنکه در مجلس مزاج یا هرزه مینماید — پس چون  
 هر خیزد و در وقت برخاستن ذکر خدا کند — فرمود نبی صلی الله علیه وسلم

آنکه در مجلس نشست و بسهار فضول گفت اگر پیش از برخاستن این  
 دعا خواند سبحانک اللهم بحمدک اشهد ان لا اله الا انت استغفرک واتوب  
 الیک ( یعنی به پاکیزگی یاد میکنم تو را ای خدا - و ثنا میگویم - و گواهی  
 میدهم که نیست - هجرت مگر تو - استغفار میکنم و رجوع می آورم بتو )  
 هرچه از درین مجلس صادر گشته آمرزیده خواهد شد -









غ- ک ج

اجری درج شد ہ تاریخ ۱۹۷۰ء میں یہ کتاب مستعار  
کے لئے مقررہ مدت کے زائد ہر کہنے کی  
صورت میں ایک آنہ یومیہ جرمانہ لیا جائے گا۔

---











